

ایستاد هفت

سال سی و پنجم، شماره ششم
بهار و آسفند ۱۴۰۳
ISSN:1023-7992

دوماهنامه نقد کتاب، کتاب‌شناسی و
اطلاع‌رسانی در حوزه فرهنگ اسلامی

۲۱۰

آخر یکی از مسلمانان چراغی فرا راه من دارید! | چاپ نوشت (۱۷) |
برگی از ادبیات ضد صوفی در مسلمانان هند | نسخه خوانی (۳۹) |
آینه‌های شکسته (۷) | مرگ چنین خواجه... | تازیدن؟ تاسیدن؟
ناهیدن؟ | خراسانیات (۳) | یادداشت‌های لغوی و ادبی (۳) |
متنی دیگر از سنیان دوازده‌امامی | نوشتگان (۱۱) | نظریه
آواشناختی خلیل بن احمد و زبان‌شناسی هندی | طومار (۹) |
اشارات و تنبیهات (۷) | حدیث «علي مع الحق» از عبات الأنوار |
رباعیات صرفی کشمیری در دیوان خاقانی | سحر با باد می‌گفتم
حدیث آرزومندی | **نکته، حاشیه، یادداشت**

جامع‌العلوم القرآن، تفسیر ابي الحسن الرماني
روند تحول نگاه اهل سنت به نهج البلاغه در قرن هفتم هجری
اپوست آینه پژوهش

جويا جهان بخش | مجيد جليسه
رسول جعفریان | حيدر عبودي
محمد سوری | مسعود راستی پور
اميد حسینی نژاد | آریا طیب زاده
میلاد بیگلر | احمد رضا قائم
مقالی | علی زاد | حمید عطاری
نظری | علی بوذری | سید علی
میرافضلی | مرتضی علی زاده نجار |
خلیل حسینی عطار | علی ایمانی
ایمنی | مرتضی کریمی نیا | سید
محمد حسین حکیم

یادداشت‌های لغوی و ادبی (۳)

«به دوری عیسی از پیوند ایشا» مروری بر نظرات شارحان و محققان دربارهٔ بیت‌ی از خاقانی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران | آریا طیب‌زاده

| ۲۰۶ - ۱۸۳ |

چکیده: در یادداشت حاضر به بحث، نقد و تکمیل نظرات مطرح‌شده دربارهٔ بیت‌ی از قصیدهٔ ترسائیۀ خاقانی می‌پردازم؛ یعنی بیت «به پاکی مریم از تزویج یوسف / به دوری عیسی از پیوند ایشا/اشیا/عیشا». آخرین واژهٔ بیت در نسخه‌ها عموماً به صورت «عیشا» و «اشیا» ضبط شده، و شارحان نیز در توضیح آن اختلاف کرده‌اند. بنده ضمن تأیید دلایل اکبر حیدریان و سید جواد مرتضایی (۱۳۹۶)، استدلال می‌کنم که هر دو ضبط «عیشا» و «اشیا»، صورت‌هایی محرف و مصحّف از «ایشا» بوده، و تفسیر و شرح بسیاری از شارحان و محققان نیز برای هر دو ضبط از قبیل «تعلقات دنیوی»، «زجم»، «علقة» (ترکیب منی و خون در رحم)، «صورت مبدل از ایشوع یا یشوع به معنای شبه عیسی که بر دار شد» و «نام زنی که مسیح (ع) را به ارتباط با او متهم می‌کرده‌اند»، مستند یا مستدل نیست (خصوصاً با تأیید انتقادات محمدرضا ترکی (۱۳۹۸) به آرای پیشین). همچنین نشان می‌دهم که کهن‌ترین شواهد ضبط «عیشا» متعلق به قرن نهم ق. بوده و لغت‌نامه‌های فارسی پدیدآمده در شبه‌قارهٔ هند نقش بسیاری در اشاعه و تزویج این ضبط داشته‌اند. در قدم بعد، با بررسی شروح و فرهنگ‌نامه‌های تألیف‌شده در هند استدلال می‌کنم که «عیشا» در فرهنگ‌ها، لغتی ساختگی و به نظر بنده حاصل تحریف ضبط اصیل «ایشا» است. سپس بحث می‌کنم که در میان نظرات طرح‌شده در مورد این لغت، نظر حیدریان و مرتضایی (۱۳۹۶) مبتنی بر شواهد و استدلالات قانع‌کننده‌ایست که ایشا را نام پدر داود (ع) و برپایهٔ شجره‌نامه‌های مذکور در انجیل لوقا، جدّ یوسف نجاری می‌دانند. در تفسیر آنان از بیت، خاقانی در مصراع اول بیت، مریم (ع) را از هم‌بستری با یوسف نجاری - و در نتیجه، عیسی (ع) را از داشتن رابطهٔ بنوت با یوسف - بری می‌داند و در مصراع دوم، در ادامهٔ همان مطلب مصراع اول، نافی وجود پیوند نسبی بین مسیح (ع) و ایشا - پدر داود (ع) و جدّ یوسف نجاری - می‌شود (یعنی همان رابطهٔ نسبی که در انجیل‌ها آمده است)؛ به عبارت دیگر، نفی نسب بنوت بین عیسی و یوسف نجاری متضمن نفی وجود ارتباط نسبی بین عیسی و «ایشا» یا پدر داود خواهد بود. نظر حیدریان و مرتضایی به‌رغم اینکه از همهٔ آراء طرح‌شده در باب این بیت، مستدل‌تر و مستندتر بوده، اما به دلیل آشفتگی و اطناب ممل در بیان مطلب، مورد توجه اهل فن قرار نگرفته است. در نهایت، ضمن محتمل‌دانستن نظر حیدریان و مرتضایی، بنده نیز به عنوان امکانی دیگر برای تفسیر بیت، پیشنهاد می‌کنم که «ایشا» شاید برگردانی باشد از لغت «*ʾišā*» (ʾišā) در عبری توراتی، در معنای زن (و خاصه همسر و جفت). بدین ترتیب، معنای محصل مصراع می‌شود «سوکند به برائت عیسی (ع) از پیوند با هر زن و جفت».

کلیدواژه‌ها: خاقانی، ترسائیۀ، ایشا، عیسا، نسب‌نامهٔ عیسی در انجیل‌های متی و لوقا؛ فرهنگ‌های فارسی در شبه‌قاره، فرهنگ‌نویسی، عبری، عبری در فارسی، زبان لوترائی، ابونواس.

Literary and Linguistic Notes (3)

An Overview of discussions on a verse by Ḥāqānī in his “Christian Ode”

Arya Tabibzadeh

Abstract: This note provides an overview of discussions on a verse by Ḥāqānī (1126/1127-1198/1199 CE) in his Christian ode, translated by Vladimir Minorsky (1945) as: “By Mary’s purity in her wedlock with Joseph, by the exemption of Jesus from the link of the fetal clot”. The last word of this verse read and translated by Minorsky as *ʾišā* / “the fetal clot” has gave rise to a continuing controversy among the early commentators of Ḥāqānī’s *Diwān*

۱۸۳

آبیه پژوهش | ۲۱۰

سال ۳۵ | شماره ۶

بهمن و اسفند ۱۴۰۳

and the modern scholars, over centuries. It has variably been spelled in the early manuscripts as *as̄yā* and *ʿiṣā* (also its corrupted form: *ʿas̄yā*). Though the former is the most common spelling in the manuscripts (especially in the earliest manuscripts, as I will show), the modern scholars often chose the latter spelling (*ʿiṣā*) suggesting various meanings for it, such as “the fetal clot”, “womb”, “a prostitute with whom Jesus was accused to have affair”. In accordance with Mortazai and Heydarian (2017), I suggest that the both spellings *as̄yā* and *ʿiṣā* are in fact corrupted forms of the original spelling *iṣā*. I also suggest two possible interpretations for the under-discussion word: 1. It may be the Arabic rendering of the Biblical figure Jesse, the David’s father and according to the gospels of Matthew and Luke, Jesus’s ancestor (this is Mortazai and Heydarian’s interpretation, *ibid*); 2. It may be a rendering of the Hebrew word *iṣā* ‘woman, wife’.

Keywords: Hāqānī, The Christian Ode, ʿiṣā, ʿiṣā, ʿiṣā, Persian Lexicography, Persian Lexicons in Indian Subcontinent, Hebrew, Hebrew in Persian, Loterāʿi, Abū Nuwās.

۱. مقدمه^۱

یکی از ابیات بحث برانگیز در قصیده ترسائیۀ خاقانی بیتی است که ضبط آن مطابق تصحیح ضیاء‌الدین سجادی چنین است: «به پاکی مریم از تزویج یوسف / به دوری عیسی از پیوند عیسا»^۲ (خاقانی ۱۳۹۱، ۲۸). مشکل این بیت به ضبط و معنی کلمه «عیسا» برمی‌گردد. این کلمه در اکثر نسخه‌های کهن دیوان و نیز بسیاری از شروح قدیمی قصیده ترسائیۀ، به صورت «اشیا» ضبط شده، اما ظاهراً ضبط «عیسا» به واسطه ثبت به صورت مدخل واژگانی در بعضی فرهنگ‌های لغت فارسی در شبه قاره هند به مرور تبدیل به ضبط غالب شده است؛ چنان‌که به متن مصحح ضیاء‌الدین سجادی از دیوان نیز راه یافته است (نیز ر. ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱-۱۳۴۲). من در این یادداشت نشان می‌دهم که قدیم‌ترین شواهد ضبط «عیسا» در دستنویس‌ها و شروح کهن دیوان خاقانی و نیز در فرهنگ‌نامه‌های فارسی مربوط به قرن نهم ق. است و احتمالاً ورود آن به نسخه‌های قدیم به صورت ضبط در حاشیه، یا ضبط ثانوی، و نیز به صورت ضبط اصلی در نسخه‌های قرن نهمی ق. به بعد، تحت تأثیر فرهنگ‌نامه‌های فارسی در شبه قاره هند بوده است. شارحان و لغت‌نامه‌نویسان قدیم و محققان معاصر، برای «اشیا» و «عیسا» معانی و تفاسیر مختلفی ارائه کرده‌اند، از قبیل: تعلقات دنیوی (لاهیجانی بی تا، ۳۴۶-۳۴۷)، علقه یا مواد موجد جنین در رحم (شادی آبادی، ر. ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱؛ قوام فاروقی ۱۳۸۵، ۷۱۲/۲؛ «Minorsky 1945, 556-577»)، رحم/قرارگاه طفل در جنین (تبریزی ۱۳۴۳، ۱۳۹۱/۳)، «صورتی دگرگشته از ایشوع / ایشوع که دلالت بر شبه عیسی دارد» (کزازی ۱۳۹۳، ۱۸۹-۱۹۱)، «نام زنی بدکاره که عیسی را به ارتباط با او متهم می‌کرده‌اند» (رضوان ۱۳۹۰) و «نام پدر داود (ع) به عنوان عضوی از شجره‌نامه عیسی (ع)» (حیدریان و مرتضایی ۱۳۹۶) و «نام پدر نامشروع عیسی (ع) در روایات یهودی» (ترکی ۱۳۹۸، ۱۸۰/۱) (برای بحث مفصل در این باره ر. ک ادامه در بخش ۱/۲). همانطور که مهدوی فر (همان) اشاره کرده، معانی «رحم» و «علقه» برای این واژه احتمالاً از شروح شارحان هندی بر دیوان خاقانی برای ضبط «اشیا» به فرهنگ‌های فارسی شبه قاره راه یافته است. بنابراین، من استدلال می‌کنم که صورت «عیسا» در این فرهنگ‌ها، لغتی ساختگی است، زیرا ضبط آن (عیسا) در واقع صورت فاسد ضبط دیگری بوده، و معنی

۱. با سپاس فراوان از استاد عزیزم جناب آقای دکتر محمد افشین وفایی و دوست گرامی سرکار خانم دکتر اعظم اسماعیلی خاصوان که برخی از منابع مورد نیاز بنده را در اختیارم قرار دادند.
۲. در تصحیح جواد بشری از قصیده ترسائیۀ (بشری ۱۳۸۸، ۱۶۴) بیت چنین ضبط شده است: بپاکی مریم از تزویج یوسف / بدوری عیسی از پیوند اشیا (نیز ر. ک همان، ۱۷۰).

آن نیز مأخوذ از شروحي است که بیت را با ضبط «اشیا» تفسیر کرده‌اند. در ادامه بحث، ضمن نقد نظرات دیگر به دفاع از یکی از نظرات معاصرین می‌پردازم؛ یعنی اکبر حیدریان و سیدجواد مرتضایی (۱۳۹۶) که ضبط جدیدی را برای این لغت به صورت «ایشا» پیشنهاد داده‌اند و به نظر بنده اتفاقاً ضبط درست واژه همین است. آنان همچنین در تفسیر بیت، «ایشا» را نام پدر داود (ع) دانسته‌اند که در شجره‌نامه‌های مذکور در انجیل متی و لوقا از انساب یوسف نجار و از طریق او از انساب مسیح (ع) دانسته شده است (توجه شود در این شجره‌نامه‌ها، یوسف پدر مسیح فرض شده و نه پدرخوانده او). در این معنا آنها مضمون بیت را رد رابطه بنوت بین مسیح و یوسف نجار و نیز، رد رابطه نسبی بین مسیح و ایشا در نظر گرفته‌اند. نظر آنان گرچه مبتنی استدلالات و شواهد قانع‌کننده‌ای است، اما به دلیل آشفتگی مطالب و اطناب ممل در مقاله، آن طور که باید مورد توجه اهل فن قرار نگرفته است (مثلاً ر. ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۲). در این یادداشت با صحیح‌دانستن ضبط «ایشا»، نظر حیدریان و مرتضایی را به شکلی روشن بیان می‌کنم، و ضمن محتمل‌دانستن تفسیر آنان، راه حل دیگری را نیز برای تفسیر کلمه مورد بحث پیشنهاد می‌دهم که به نظر من آن هم ممکن است صحیح باشد. بدین ترتیب، پیشنهاد می‌دهم که «ایشا» شاید برگردان لغت عبری «אִישָׁא» باشد در معنای «زن» (خاصه، همسر و جفت)، که کاربرد بسیار زیادی در تورات نیز دارد و خاقانی به اقتضای بافت قصیده و احتمال آشنایی ممدوح گرجستانی اش به لغات عهدینی (خاصه این لغت پرکاربرد در عهد عتیق)، ممکن است آن را در این جا آورده باشد. بنابراین، مصراع دوم مورد بحث، سوگندی خواهد بود به برائت عیسی از داشتن ارتباط عاشقانه یا جنسی با زنان. این تفسیر در میان تفسیرهای پیشین به تفسیر هادی رضوان (۱۳۹۰) شباهت دارد که با اختیار ضبط «عیشا» در کنار توجه به ضبط «اشیا» کلمه مورد بحث را نام زنی دانسته بود که عیسی (ع) را به ارتباط با او متهم می‌کردند.

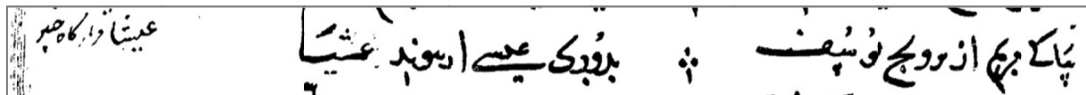
در اینجا نخست، به بررسی ضبط کلمه در نسخه‌های کهن دیوان می‌پردازم:

۲. ضبط نسخه‌ها^۱

در کهن‌ترین نسخه مؤرخ دیوان، یعنی نسخه لندن (خاقانی ۱۶۶۴ ق.، ۱۶۱۰ ر) ضبط کلمه به وضوح «اشیا» بوده، اما بعداً الف آغازی آن محو و روی کلمه «عیشا» نوشته شده است

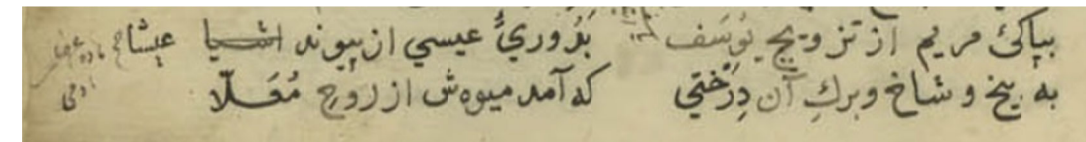
۱. تاکنون غیر از بشری (۱۳۸۸، ۱۶۴) بحث جامعی در باب ضبط نسخه‌ها از بیت مورد بحث ما ارائه نشده است. در اینجا ضمن استفاده از پژوهش بشری، برخی نکات را به آن اضافه کرده‌ام. چنانکه خواهیم دید، عدم توجه به ضبط نسخه‌ها در این بیت، عامل ضعف بسیاری از تفاسیر ارائه شده برای این بیت بوده است.

(این مسئله را ضیاء‌الدین سجادی نیز در نسخه بدل ذکر کرده است؛ ر.ک خاقانی، ۱۳۹۱، ۲۸/ح ۴)؛ همچنین، قلمی بسیار متأخرتری از قلم کاتب نسخه، در حاشیه نوشته است: «عیشا قرارگاه جنین» (در این باره ر.ک ادامه)^۱. با توجه به این که ضبط تغییر یافته «عیشا» در نسخه لندن، در هیچ مأخذ دیگری یافت نشده، و ضبط‌های موجود از این کلمه در مأخذ دیگر «اشیا» و «عیشا» است، به احتمال بسیار زیاد، کسی که ضبط را تغییر داده، قصد داشته آن را به «عیشا» تغییر دهد اما نخواست/نتوانسته در ترتیب نقطه‌گذاری اصلی نسخه دست ببرد و بنابراین ضبط ثانوی «عیشا» خوانده می‌شود:



ضبط نسخه لندن

نسخه مهم دیگری از دیوان که حدوداً در اوایل قرن هفتم ق. کتابت شده، نسخه کتابخانه مجلس است (خاقانی بی تا الف)، که بعضی قسمت‌های آن نونویس و حدوداً متعلق به قرن ۱۲ق. است. بیت مورد نظر اگرچه در قسمت نونویس آمده، دقیقاً همانند نسخه لندن ابتدا به صورت «اشیا» ضبط شده، اما بعداً با قلمی متأخرتر روی آن خط کشیده و در حاشیه «عیشا» را افزوده‌اند، همراه با این توضیح در مقابل «عیشا»: «صح، ماده اعضای آدمی»^۲ (خاقانی همان، ۳۰۰):



ضبط نسخه مجلس

سومین نسخه کهن دیوان که آن هم متعلق به اوایل قرن هفتم ق. است، نسخه صادق انصاری است که اکنون در کتابخانه مرعشی قم نگهداری می‌شود (خاقانی بی تا ب؛

۱. در مورد این نوشته در حاشیه، گزارشی در نسخه بدل‌های سجادی (خاقانی ۱۳۹۳، ۲۸/ح ۴) نیامده است.

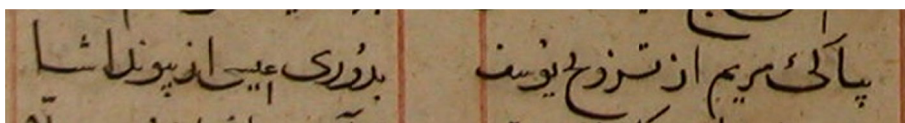
۲. یعنی: ضبط «عیشا» صحیح است و معنای آن «ماده اعضای آدمی» است. در نسخه بدل‌های تصحیح سجادی (خاقانی ۱۳۹۳، ۲۸/ح ۴)، اشاره‌ای به این تغییر ضبط و حاشیه‌نویسی با قلم متأخر در نسخه مجلس نشده، و ظاهراً اولین بار بشری (۱۳۸۸، ۱۶۴) متوجه آن شده است.

درباره این نسخه ر.ک بشری (۱۳۹۷). ضبط این نسخه نیز مطابق نسخه بدل‌های سجادی (خاقانی ۱۳۹۱، ۲۸/ح ۴) و بشری (۱۳۸۸، ۱۶۴) «اشیا» است.

بنابراین ضبط سه نسخه اصلی تصحیح سجادی «اشیا» بوده و نه عیسا. «عیسا» در واقع، ضبط نسخه متأخر پاریس (کتابت در حدود قرن نهم ق.م) بوده است که به متن مصحح سجادی راه یافته است (ر.ک بشری ۱۳۸۸، ۱۶۴). پس می‌توان از نگاه نسخه‌شناختی در اعتبار ضبط «عیسا»/«عشیا» تردید کرد. البته برای پذیرش ضبط «عیسا» می‌توان دلایلی چون دشواری ضبط «عیسا» در مقابل سادگی «اشیا»، و عدم تناسب «اشیا» با سبک خاقانی اقامه کرد (ر.ک بخش ۲، ۱) اما در ادامه بحث نشان می‌دهم که این دلایل قابل قبول نیست.

غیر از نسخه‌های مورد استفاده سجادی در تصحیح متن، نسخه‌های کهن دیگری نیز این بیت را دارند که اتفاقاً ضبط اغلب آن‌ها اشیا است و نه «عیسا»/«عشیا»:

الف) نسخه دیوان خاقانی کتابخانه فاتح، کتابت ۷۰۲ ق.م (خاقانی ۷۰۲ ق.م، ۷۵ ر):



ب) نسخه دیوان خاقانی کتابخانه لالا اسماعیل، کتابت در اوایل قرن نهم ق.م (خاقانی بی تا ج، ۱۶۴ پ):^۱



گفتنی است که بشری (۱۳۸۸، ۱۵۶) در تصحیح خود از قصیده ترسائیه، افزون بر نسخه‌های مورد استفاده سجادی، و نیز نسخه فاتح که ذکر آن گذشت، به سه نسخه کهن دیگر از دیوان خاقانی، و نیز دو سفینه کهن رجوع کرده که قصیده ترسائیه در آنها ذکر شده. در این میان تنها نسخه پاریس، و یک نسخه کتابت ۸۹۸ ق.م محفوظ در

۱. با سپاس از استاد عزیزم جناب آقای دکتر محمدرضا ترکی که این نسخه را به بنده معرفی و درباره اهمیت آن در خطابه‌ای در فرهنگستان زبان و ادب فارسی سخنرانی کردند (برای شنیدن صوت این خطابه ر.ک تارنمای فرهنگستان زبان و ادب فارسی (www.apll.ir)). آقای دکتر ترکی اخیراً به همراه آقای دکتر سید محسن حسینی وردنجانی چاپ عکسی نسخه لالا اسماعیل را نیز منتشر کرده‌اند (خاقانی ۱۴۰۲).

کتابخانه آستان قدس ضبط «عیشا» را داشته، و ضبط سایر نسخه‌ها، «اشیا» بوده است (همان)؛ بشری هم به درستی، در تصحیح خود از قصیده، ضبط «اشیا» را به متن، و «عیشا»/«عشیا» را به نسخه بدل برده است (۱۳۸۸، ۱۶۴؛ برای مشخصات نسخه‌ها و منابع مورد رجوع بشری، ر.ک همان، ۱۵۴-۱۵۶). جالب است که حتی در اکثر شروح کهن دیوان خاقانی، فارغ از چگونگی تفسیر کلمه مورد بحث و کل بیت، ضبط غالب «اشیا» بوده است؛ مثلاً آذری طوسی (ر.ک محمدی فشارکی ۱۳۸۶، ۲۳۹)، محمد شادی آبادی (بی‌تا، ۱۶۴؛ نیز ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱) و شمس‌الدین محمد لاهیجانی (۱۳۵۰، ۳۴۶-۳۴۷) (برای بحث مفصل‌تر درباره ضبط و تفسیر واژه در شروح ر.ک بخش ۲/۱).

جدول جمع‌بندی ضبط نسخه‌های کهن از بیت مورد بحث (بدون ذکر ضبط شروح)

نسخه	ضبط اصلی	ضبط تغییر یافته
لندن (۱۶۶۴ ق.)	اشیا	عشیا
صادق انصاری/مرعشی (قرن هفتم ق.)	اشیا	-
فاتح (۷۰۲ ق.)	اشیا	-
سفینه اسماعیل صائب (۱۶۸۱ ق.)	اشیا	-
دانشکده ادبیات (اواخر قرن هفتم - اوایل قرن هشتم ق.)	اشیا	-
سفینه معروف بغدادی کاخ گلستان (قرن هشتم ق.)	اشیا	-
آستان قدس ۸۴۷ ق.	اشیا	-
لالا اسماعیل (اوایل قرن نهم ق.)	اشیا	-
پاریس (قرن نهم ق.)	عیشا	-
آستان قدس ۸۹۸ ق.	عیشا	-
مجلس (بخش نونویس ۱۲ ق.)	اشیا	عیشا

۳. اقوال شارحان و لغت‌نویسان، و منشأ «عیشا»

۳/۱. شروح قدیم

چنانکه در قسمت ۱/۱ دیدیم، در بسیاری از شروح کهن بر قصیده ترسائیه، بیت مورد بحث با ضبط «اشیا» آمده و بیت با همین ضبط تفسیر شده است. در جدول زیر ضبط‌ها و معانی ارائه شده در شروح قدیم را گردآوری کرده‌ام^۱:

۱. بنده علاوه بر شروح مذکور در این بخش، به شرح عبدالوهاب حسینی معموری غنایی (۱۳۷۳)، و نیز مفتاح‌الکنوز رضاعلی‌خان هدایت (سجادی ۱۳۷۰) نیز رجوع کردم اما در آنها بحثی در باب این بیت نیامده بود. گفتنی است که

تفسیر	ضبط	شرح
(فاقد توضیح)	اشیا	آذری طوسی (تألیف: ۸۳۰ ق.) ^۱
پیوند اشیا هم چیزهایی است که بدان فرزند در رحم عورت موجود می‌شود، چنانکه آب منی و خون و جز آن.	اشیا	محمد شادی‌آبادی ^۲ (قرن نهم تا اوایل دهم ق.) ^۳
اشاره است بر اجتناب آن حضرت از اشیاء که در این نشأه فانی بکار آید و تجرد او از علایق و عوایق جسمانی چنانکه نبذی از انقطاع و تزهّد و تورع آن حضرت سبق ذکر یافت.	اشیا	شمس‌الدین محمد لاهیجانی (تألیف ۱۲۱۸ ق.) ^۴

نکته بسیار مهم اینجا آن است که شمس‌الدین لاهیجانی «اشیا» را به سادگی در معنای لفظی خود و با کمی توسع در معنای جسمانیات و تعلقات دنیوی به کار برده، اما این تفسیر طرفداران بسیار اندکی میان اهل فن، هم در قدیم و هم در حال حاضر، دارد. دلیل این امر روشن است؛ آمدن لغت «اشیا»، در این موضع هیچ مناسبتی با سبک خاقانی ندارد. اقتضای سبک خاقانی آنست که اولاً در این مصراع تلمیح به ماجرای در زندگی عیسی (ع) آمده باشد، نه یک خصوصیت کلی شخصیت او. ثانیاً، این مصراع باید ارتباطی قوی با مصراع قبل داشته باشد، خصوصاً که دو مصراع با هم موازنه دارند. به همین دلیل، شادی‌آبادی اشیا را در معنای «عَلَقَه» گرفته تا از حیث معنایی به مسئله بکربودن مریم (ع) مرتبط شود؛ چنانکه خواهیم دید، بسیاری از شارحان قدیم و جدید نیز

در یادداشت‌های محمد قزوینی (۱۳۸۸، ۹-۲۸۰۸/۲۸۷۴)، نکاتی درباره قصیده ترسائیۀ خاقانی به قلم خود قزوینی و نیز پاره‌هایی از شرح عبدالوهاب حسینی معموری غنایی آمده. قزوینی کلمه مورد بحث ما را به صورت «اشیا» ضبط کرده، و چند نسخه بدل (ظاهراً براساس نسخه‌های شرح عبدالوهاب حسینی) برای آن نقل کرده بدین ترتیب: «ب: استا (در متن)، عشاء (در شرح)؛ عیثا (و تفسیر کرده: عیثا ماده تولد فرزند)» (همان، ۲۸۷۲). طبق جستوی نگارنده بیت مورد بحث ما در قصیده ترسائیۀ در بسیاری از نسخه‌های شرح حسینی معموری غنایی فاقد شرح است اما ظاهراً در بعضی از نسخ این شرح، مطالبی مشابه به شرح شادی‌آبادی یا مطالب منقول در فرهنگ‌ها آمده است. قزوینی همچنین گفته: «در ریچاردسن «عیثا» را تفسیر کرده بود (womb)؟» (همان). نمیدانم منظور قزوینی از «ریچاردسن» کیست؛ آیا جان ریچاردسن، مؤلف فرهنگ فارسی، عربی، انگلیسی (Richardson 1806) است؟ در این فرهنگ مدخل «عیثا» درج نشده است (ibid, 664).

۱. ر.ک محمدی فشارکی ۱۳۸۶، ۲۳۹.

۲. ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱؛ نیز ر.ک شادی‌آبادی بی تا، ۱۰۷-۱۰۸.

۳. گفتنی است که در چاپ سنگی نولکشور (در لکنو) از دیوان خاقانی ضبط «عیثا» آمده و در حاشیه تقریباً همان مطلب شرح شادی‌آبادی در توضیح کلمه نقل شده: «عیثا چیزیکه بدان فرزند در رحم عورت موجود شود چنانچه منی و خون» (خاقانی ۱۲۹۳ ق.، ۲۷۷/۱؛ همچنین ر.ک «Minorsky 1945, 577»).

۴. لاهیجانی (۱۳۵۰، ۳۴۶-۳۴۷).

معانی‌ای مرتبط با زایمان یا ارتباط جنسی را برای کلمه مورد بحث ذکر کرده‌اند تا هر دو مصراع با یکدیگر ارتباط معنوی پیدا کنند (برای نمونه‌ای از تأکید محققان بر این خصوصیت سبکی خاقانی، ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۲).

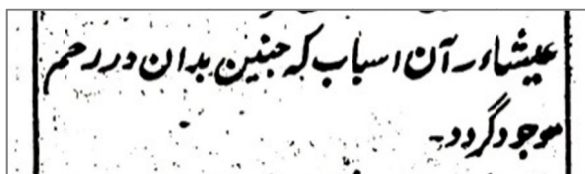
۳/۲. لغت‌نامه‌ها

همان‌طور که در بخش ۱/۱ دیدیم، قدیم‌ترین شاهد برای ضبط «عیشا» در نسخه‌ها متعلق به قرن نهم ق. است. جالب است که ضبط «عیشا» (یا گاه «عیشاء») به عنوان مدخل واژگانی در لغت‌نامه‌های کهن فارسی نیز ظاهراً از قرن نهم ق. به بعد دیده می‌شود. با آنکه بعضی از این لغت‌نامه‌ها بیت خاقانی را در این مدخل ذکر نکرده‌اند اما به احتمال بسیار زیاد این لغت را از بیت خاقانی گرفته‌اند به چند دلیل: لغت‌نامه‌های مورد بررسی ما در اینجا همه در شبه‌قاره هند پدید آمده و علاقه ادبای هند و البته، فرهنگ‌نویسان هندی به شعر خاقانی و استهشاد به ابیات او و مدخل کردن برخی تعابیر او در فرهنگ‌هایشان امری واضح است؛ همچنین، ضبط «عیشا» همان‌طور که دیدیم، در برخی نسخه‌های قرن نهمی و دهمی دیوان خاقانی آمده (و تا حد اطلاع بنده در جایی غیر از همین نسخه‌ها نیامده است)، و چنانکه خواهیم دید، معانی ذکر شده برای این لغت در حاشیه برخی نسخه‌های دیوان بسیار شبیه یا عیناً همان معانی مذکور در فرهنگ‌های فارسی شبه‌قاره است (برای بحثی درباره این لغت در فرهنگ‌های قدیم، ر.ک کزازی در علیزاده ۱۳۸۲، ۱۵۶-۱۵۷).

تا حد اطلاع بنده، کهن‌ترین لغت‌نامه‌ای که «عیشا» را به صورت مدخل درآورده، شرفنامه منیری (تألیف در ۸۷۸ ق.) است که آن را چنین معنا کرده است (قوام فاروقی ۱۳۸۵، ۷۱۲/۲): «عیشا: آن اسباب که جنین بدان در رحم موجود گردد، کذا فی الموائد^۱». این معنی بسیار شبیه به چیزی است که در شرح شادی‌آبادی برای تفسیر کلمه با ضبط «اشیا» آمده است (ر.ک ۳/۱). همچنین مطلب حاشیه نسخه مجلس نیز به این معنی شباهت دارد (ر.ک بخش ۲). نیم قرن پس از قوام فاروقی، محمد بن لاد دهلوی نیز در مؤید الفضلا (تألیف در ۹۲۵ ق.) کلمه مورد بحث ما را به صورت «عیشاء» (با الف

۱. همان‌طور که حکیمه دبیران، مصحح متن شرفنامه منیری در مقدمه اشاره کرده، «مواید» یکی از منابع مورد استفاده قوام فاروقی در این فرهنگ بوده و ممکن است همان مواید الفواید باشد (قوام فاروقی همان، ۱/شانزده).

ممدوده) مدخل کرده و عیناً همان معنی مذکور در شرفنامه منیری را ذیل آن آورده است (۱۳۰۲ق. ۱۵/۲):



فرهنگ جعفری (تألیف در ۱۰۴۰ق.) «عیشا» را مدخل کرده و در ذیل مدخل گفته: «به وزن زیبا مکان اطفال است در رحم» (تویسرکانی ۱۳۶۲، ۴۸۹). در مجمع الفرس سروری (بین ۱۰۰۸ تا ۱۰۴۲ق. ر.ک حفیظی ۱۳۸۸) نیز، «عیشا» با توضیحی شبیه به توضیح تویسرکانی و با اسشتهداد به بیت خاقانی آمده است: «[بوزن پیدا] قرارگاه جنین باشد در رحم ایضا منه» (سروری کاشانی ۱۳۳۸، ۹۱۷/۲-۹۱۸). «قرارگاه جنین» همان لفظی است که در حاشیه نسخه لندن با قلم متأخر برای «عیشا» نوشته شده است (ر.ک بخش ۲). بنابراین می‌توان گفت که تویسرکانی، سروری و نویسندۀ حاشیه نسخه لندن احتمالاً تحت تأثیر مأخذ مشترکی بوده‌اند. معنی «قرارگاه جنین» در فرهنگ‌های دیگری نیز ذکر شده، مثلاً برهان قاطع (تألیف در ۱۰۶۲ق.) ذیل مدخل «عیشا» این توضیح را آورده: «قرارگاه طفل را گویند در رحم مادر» (تبریزی ۱۳۴۳، ۱۳۹۱/۳).^۱ فرهنگ رشیدی (تألیف در ۱۰۶۴ق.) نیز «عیشا» را با اسشتهداد به مصراع دوم بیت خاقانی چنین معنی کرده: «عیشا بالفتح قرارگاه جنین در شکم» (حسینی ۱۸۷۲-۱۸۷۵، ۷۹/۲). فرهنگ‌های متأخرتر هم عموماً مدخل «عیشا» یا «عیشاء» را با همان مطالب فرهنگ‌های فوق‌الذکر آورده‌اند، و به واسطه آنها «عیشا» با همان مطالب به لغت‌نامه دهخدا نیز راه یافته است (دهخدا ۱۳۷۷، ذیل مدخل «عیشا»؛ نیز ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱). مثلاً ناظم الاطباء همان مطلب مؤید الفضلا را نقل کرده (ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۱) و رامپوری نیز در غیاب اللغات، به نقل از «مؤید و غیره» مدخل «عیشا» را چنین معنا کرده: «قرارگاه بچه در رحم مادر و آن اسباب که بچه بدان در رحم موجود گردد» (که معنی اول شبیه

۱. طبق توضیح محمد دبیرسیاقتی در حاشیه متن: «یعنی نسخه میرزا». مقصود در اینجا، «رساله میرزا ابراهیم بن میرزا شاه حسین اصفهانی» یا همان فرهنگ میرزا ابراهیم است که سروری آن را در دیباچه نخست کتاب به عنوان یکی از منابع مورد استفاده خود آورده (همان، ۲؛ نیز ر.ک صادقی زیر چاپ).
۲. محمد معین در حاشیه این مدخل، بیت خاقانی را آورده و پس از آن توضیحی درباره «عیسو» در تورات (= پسر بزرگ اسحق و برادر یعقوب) آورده است؛ معین ظاهراً به صورت تلویحی، «عیشا» را همان «عیسو» دانسته اما توضیح بیشتری ارائه نکرده است.

معنی فرهنگ جعفری، مجمع الفرس و برهان قاطع و معنی دوم منقول از مؤید الفضلا است؛ رامپوری ۱۳۳۷، ۱۰۲/۲؛ نیز ر.ک مهدوی فر همان^۱. مهدوی فر (همان) براساس شباهت میان شرح شادی آبادی برای ضبط «اشیا» در بیت خاقانی، با معنی مذکور ذیل مدخل «عیشاء» در مؤید الفضلا، حدس زده که شاید مؤید الفضلا واسطه انتقال این معنی از شرح شادی آبادی به فرهنگ‌نامه‌های متأخرتر بوده است. البته - اگر حدس مهدوی فر را بپذیریم - باید شرفنامه منیری را واسطه بین شرح شادی آبادی و دیگر فرهنگ‌ها بدانیم که از مؤید الفضلا قدیم‌تر است. دره‌رحال، مسلم است که در شبه‌قاره هند، ضبط مشهور «اشیا» به شکلی فراگیر به «عیشا»/«عیشاء» تحریف شده است به نحوی که در چاپ سنگی لکنو (خاقانی ۱۲۹۳ق.، ۲۷۷/۱؛ همچنین) همان مطالب شرح شادی آبادی عیناً در شرح بیت آمده اما کلمه مورد بحث برخلاف شرح شادی آبادی به صورت «عیشا» ضبط شده است. در مورد تغییر ضبط «اشیا» به «عیشا» دو نکته را باید در نظر گرفت؛ اول آنکه مسلماً یک انگیزه مهم برای این تغییر، ایجاد جناس خط بین «عیسی»/«عیسا» و «عیشا» بوده است (ر.ک مهدوی فر ۱۳۹۷، ۱۳۴۲). اما مهم‌تر از این، به نظر بنده «عیشا» بازمانده صورتی هم‌آوای آن یعنی «ایشا» بوده که به نظر بنده ضبط صحیح و اصیل کلمه مورد بحث است (ر.ک بخش ۳/۳ و ۴). در واقع ممکن است که کاتبان و فرهنگ‌نویسان خصوصاً در شبه‌قاره هند به دلیل عدم اطلاع درباره معنی واژه «ایشا» و به منظور ایجاد جناس خط در این کلمه با «عیسا» طبق شناخت شمی خود از سبک خاقانی، «ایشا» را به صورت «عیشا» درآورده باشند (باید توجه کرد که «عیشا» و «ایشا» احتمالاً در تلفظ آن‌ها تفاوتی با یکدیگر نداشته است). دره‌رحال، برای بنده مسلم است که «عیشا» لغتی مجعول و حاصل تصحیف و تحریف ضبط اصلی دیگری است.

۳/۳. اقوال شارحان معاصر

در اینجا بنده از شروح جدیدی که همان نظرات شارحان و فرهنگ‌نویسان قدیم را در باب این لغت نقل کرده‌اند، صرف نظر می‌کنم و بیشتر به بررسی نظرات مینورسکی (Minorsky 1945, 576-577)، کزازی (۱۳۹۳، ۱۸۹-۱۹۱)، رضوان (۱۳۹۰) و حیدریان و مرتضایی (۱۳۹۶) و محمدرضا ترکی (۱۳۹۸) می‌پردازم. در بخش ۳/۲ دیدیم که شارحان

۱. آندراج (پادشاه ۱۳۳۵، ۳۰۱۷/۴) نیز با ضبط مدخل به صورت «عیشاء» همان مطلب غیث اللغات را با ذکر مأخذ نقل کرده است.

و فرهنگ‌نویسان قدیم برای توضیح کلمه مورد بحث، عمدتاً یا دست به ابداع لغتی جدید زده‌اند (یعنی عیشا) و یا معنی جدیدی برای لغت «اشیا» ساخته‌اند (یعنی رحم یا علقه). اما محققان جدید یا سعی کرده‌اند با استدلال‌ات ریشه‌شناختی، اصلی سامی (خصوصاً سریانی) برای این واژه پیدا کنند و یا آن را اسمی خاص بدانند. همچنین این محققان، خاصه حیدریان و مرتضایی نظراتی درباره‌ی ضبط این واژه نیز داده‌اند.

مینورسکی بیان کرده که گرچه با ضبط «اشیا» معنای سراسری حاصل می‌شود، اما ضبط غریب «عیشا» خاقانی وارتر است (Minorsky ibid). او عیشا را کلمه‌ای مهجور و با ظاهری سریانی یا به تعبیر دقیق‌تر نیمه‌سریانی ('hybrid Syriac') دانسته (ibid).^۱ در واقع مینورسکی هیچ واژه‌سریانی را برای کلمه مورد بحث پیشنهاد نکرده و تنها بیان کرده که «عیشا» ظاهری سریانی دارد. او سپس معانی منقول در برهان قاطع و شرح حاشیه چاپ سنگی لکنو را برای واژه ذکر کرده (یعنی به ترتیب رحم و علقه؛ ر.ک بخش ۳،۲) و معنی علقه را در چاپ لکنو که در واقع همان مطلب شرح شادی آبادی است - مناسب‌تر با بافت دانسته است (ibid). مینورسکی برای تأیید نظر خود به نقل مطلبی از بیرونی درباره‌ی عقیده‌ی نسطوریان در باب چگونگی دوره‌ی جنینی مسیح (ع) در رحم مریم (ع) می‌پردازد که طبق آن، همانگونه که مسیح (ع) برخلاف سایر مردمان، با تولید مثل متولد نشده، استقرار او در مرحله‌ی جنینی نیز خلاف عادت بوده است (برای مطالعه‌ی عین مطلب بیرونی در الآثار الباقیه ر.ک بیرونی ۱۸۷۸، ۳۰۹-۳۱۰؛ نیز ر.ک (Minorsky ibid)).^۲ مینورسکی هم این توجیه

۱. او همچنین اشاره کرده که اشتقاق این کلمه به طور مستقیم از ریشه‌ی «ع‌ش» عربی ممکن نیست زیرا [معمولاً] در عربی، حرف سین نظیر حرف شین در سریانی است (Ibid). گفته‌ی مینورسکی اینجا قدری مبهم است؛ احتمالاً منظور او این است که از آنجا که ظاهر «عیشا» به یک کلمه‌ی سریانی می‌خورد، بنابراین نمی‌توان ن را با مشتقات ریشه‌ی «ع‌ش» در عربی (به معنای زیستن) هم‌ریشه دانست (شاید این دفعه دخل مقدر، از روی این بوده که معنای ای چون رحم و علقه ارتباط ضعیف معنوی ای با «ع‌ش» به معنای «زیستن» دارند و از این رو ارتباط «عیشا» را با ریشه‌ی «ع‌ش» رد کرده است).

۲. البته مینورسکی مطلب بیرونی را ناقص نقل کرده و لازم است توضیحی در این باره آورده شود؛ بیرونی این مطلب را در توضیح تاریخ مورد اتفاق نسطوریان برای عید «سبار» (روز بشارت دادن جبریل به مریم (ع) به جهت حمل عیسی (ع)) آورده و گفته که در آیین نسطوریان، فاصله‌ی بین این روز تا روز میلاد مسیح (ع) بیست و پنج روز است - یعنی بسیار کوتاه‌تر از ۹ ماه متوقع برای دوره‌ی بارداری انسان - (بیرونی ۱۸۷۸، ۳۰۹-۳۱۰)؛ در حالیکه دیگر مسیحیان فاصله‌ی این روز را تا میلاد مسیح (ع) «نه ماه و پنج روز و چیزی، یعنی مدت طبیعی برای استقرار مولود در رحم مادر» می‌دانند (بیرونی ۱۸۷۸، ۲۹۴). از این رو، بیرونی توجیه نسطوریان را برای این دوره‌ی جنینی کوتاه

را به‌عنوان مؤیدی برای خوانش خود از مصراع آورده به‌صورت «سوگند به برائت عیسی از پیوندِ علقه»؛ طبق تفسیر مینورسکی جنینی همهٔ انسان‌ها روندی طولانی است شامل تبدیل «نطفه» به «علقه» و سپس «مضغه» و سپس شکل‌گیری استخوان و پوست و... ولی جنینی مسیح این مراحل را نداشته است. پیش از هرچیز باید توجه داشت که براساس بحثی که در بخش ۳،۲ آمد، واژه «عیشا» و معنی آن (چه علقه و چه رحم) ساخته و پرداخته شارحان و فرهنگ‌نویسان است و لغتی واقعی نیست. همچنین در نقل بیرونی اشاره‌ای به چگونگی تکوین مواد موجد جنین در رحم نشده و بحث فقط مربوط به مدت‌زمان اقامت جنین عیسی (ع) در رحم مریم (ع) است و بنابراین مینورسکی قول بیرونی را با کمی توسع با نظر خود تطبیق داده است.

جلال‌الدین کزازی (۱۳۹۳، ۱۸۹-۱۹۱) ضمن اشاره به غرابت لغت «عیشا»، بیان کرده که ضبط «اشیا» در نسخه‌های دیوان جهت ساده‌سازی ضبط عیشا بوده است و بنابراین آن را فاقد اعتبار می‌داند (حال آنکه در قسمت ۱،۱ دیدیم که ضبط «عیشا» ضبطی بسیار متأخر و احتمالاً لغتی مجعول در اثر تحریف ضبط اصلی دیگری بوده است). کزازی همچنین در نقد معنی «تعلقات دنیوی» برای «اشیا» گفته که «همهٔ پاکان و نیکان از... دلبستگی به اشیا به دور و پیراسته بوده‌اند؛ و این تنها ویژگی عیسی نیست» (همان، ۱۸۹). او در نقد معنی «زهدان» نیز که در فرهنگ‌ها برای «عیشا» نقل شده گفته که «ویژگی شگرف در زادن عیسی آن نیست که در زهدان مام پرورده نشده است؛ آن است که از دوشیزه‌ای زاده است»^۱. او نهایتاً نظر خود را بیان کرده و گفته که «عیشا» باید

نقل کرده که عبارت است از «خارق‌العاده بودن دورهٔ جنینی عیسی [و طبعاً ممکن بودن کوتاهی آن نسبت به دورهٔ جنینی سایر انسان‌ها]. بیرونی همچنین عقیدهٔ دیگر نسطوریان در این باب را نقل کرده بدین ترتیب که بشارت جبریل به مریم (ع) به بارداری می‌تواند هنگام استقرار جنین در شکم او (ع) بوده باشد و ممکن است که قبل یا بعد از آن بوده باشد (این مطلب اخیر را مینورسکی هم نقل کرده است (ibid)).

۱. او برای تأیید نظر خود بخشی از توضیحات ابوریحان بیرونی دربارهٔ عید سبار را (یعنی همان عید بشارت جبریل به مریم (ع) به بارداری) از ترجمهٔ فارسی الآثار الباقیه نقل کرده (برای متن عربی، رک بیرونی ۱۸۷۸، ۲۹۴). بخشی که کزازی از بیرونی نقل کرده، مربوط است به تاریخ مورد اتفاق مسیحیان - غیر از نسطوریان - برای بشارت جبریل به مریم (یا همان اصطلاح مذهبی Annunciation در انگلیسی)، که فاصله‌اش با میلاد مسیح، نه ماه و پنج روز و چیزی است یعنی همان مدت طبیعی بارداری انسان؛ در حالیکه ابوریحان چند صفحه بعدتر (همان ۳۰۹-۳۱۰) گفته که نسطوریان بشارت جبریل به مریم (ع) را ۲۵ روز قبل از میلاد مسیح می‌دانند و طبق نظر آنان، جنینی عیسی (ع) نیز می‌تواند همانند تولد او خارق‌العاده باشد (رک بخش بررسی نظر مینورسکی).

صورتی مبدل از نام «ایشوع»/«یشوع» باشد. ایشوع یا یشوع در منابع اسلامی همان «شبه عیسی» است که به جای «عیسی» به صلیب کشیده شد.^۱ با این حال کزازی هیچ توضیح یا شاهی برای چگونگی تحول یشوع به عیسا ارائه نکرده است و نظر او بدون ارائه شواهد قابل پذیرش نیست.^۲ هادی رضوان (۱۳۹۰) هم به درستی، نظر کزازی را نپذیرفته به این دلیل که اولاً ارتباط معنوی قابل قبولی بین مصراع اول و دوم حاصل نمی‌کند و ثانیاً مسیحیان (من جمله ممدوح این قصیده) معتقدند که خود عیسی بر صلیب رفته و به مصلوب شدن «شبه عیسی» اعتقاد ندارد؛ از این رو مقصود خاقانی در اینجا نمی‌تواند شبه عیسی باشد. گذشته از همه این‌ها، به نظر بنده اساساً ضبط «عیسا» ضبط فاسدی است و نباید براساس آن بیت را شرح کرد.

هادی رضوان با نقد نظرات پیشین (و با تمرکز بر مسئله ارتباط معنوی دو مصراع «عیسا» را اسمی خاص دانسته است. او ابتدا با توجه به اقتضای بافت و ارتباط دو مصراع، نتیجه گرفته که مصراع دوم باید بر برائت عیسی (ع) از رابطه نامشروع با زنان دلالت کند. با این حال، پیشنهادات او برای معنی و ضبط این کلمه فاقد شواهد کافی است. او بر پایه اقتضای معنوی بیت، مصراع دوم را مرتبط به روایتی همانند داستان مریم مجدلیه و عیسی (ع) دانسته (یعنی روایاتی در باب توجه و ارتباط عیسی با زنان بدکاره به منظور ارشاد آنان، و متهم کردن عیسی به داشتن رابطه نامشروع با آن زنان از سوی

۱. برای شواهد اطلاق نام ایشوع/یشوع به شبه عیسی ر.ک دهخدا ۱۳۷۷.
۲. در اینجا توضیحی ریشه‌شناختی لازم است؛ ایشوع/یشوع بازنمایی صورت آرامی نام مسیح (ع) است یعنی معمد / ܡܥܡܕ (در گونه‌های غربی «yešūʿ» و در گونه‌های شرقی «ʔišōʿ» (ر.ک Al-Jallad and Al-Manaser). می‌دانیم که «عیسی» در عربی هم نوعی بازنمایی غیرعادی از همین نام آرامی بوده است که به شیوه نامعمولی عین پایانی کلمه به اول آن منتقل شده و در عربی قرآنی، به الف مقصوره بصورت الیاء ختم شده است (تلفظ آن در حجازی باستان: «Īsā» و در عربی کلاسیک به دو صورت «Īsā» و «Īsā» و در عربی کلاسیک هنجاری (Normative Classical Arabic) به صورت «Īsā»؛ درباره چگونگی تبدیل صورت آرامی به «عیسی» در عربی تحت تأثیر نام الهه «Isy» در کتیبه‌های صفائی ر.ک Al-Jallad and Al-Manaser ibid). بنابراین ممکن است به نظر برسد نظر کزازی از حیث ریشه‌شناسی قابل توجیه است؛ ولی باید توجه کرد که صورت «عیسا» برای نام عیسی - تا حد اطلاع نگارنده - در هیچ جایی شاهی ندارد و ضمناً باقی ماندن حرف شین در آن و عدم تبدیل آن به سین حین تعریب باز مسئله‌ای است که گرچه کاملاً ممکن است اما نیازمند توضیح و شاهد است. بنابراین دلایل، به نظر بنده، نظر کزازی قابل پذیرش نیست. گفتنی است که کزازی همچنین احتمال داده ایشوع نام راهزنی باشد که یهودیان بدخواه او را در روز عید فصح به جای عیسی (ع) از مرگ رهانیدند (ر.ک کزازی در علیزاده ۱۳۸۲، ۱۶۱؛ برای نقد این نظر ر.ک ترکی ۱۳۹۸، ۱۸۰).

دشمنان عیسی). رضوان اگرچه هیچ شهادی برای وجود زنی بدکاره با نام «عیشا» (یا نامی همانند آن) نیافته، اما روایت‌هایی ارائه آورده که در آنها نام‌هایی زنانه با شباهت لفظی به «عیشا» ذکر شده است، همچون «ایساع»، «ایشاع» و «ایشا» (نام همسر زکریا/ خالهٔ مریم). رضوان از این روایات نتیجه گرفته که نام‌های مذکور، نام‌هایی زنانه بوده و بنابراین محتمل است که در زمان حیات عیسی (ع) زنانی بدکاره با این اسامی زیسته باشند و مسیح (ع) به ارشاد آنان پرداخته باشد (همان ۱۷۹ و ۱۸۰). او سپس احتمال داده که عیسا صورتی مبدل یا محرف از نام‌های زنانهٔ مذکور باشد. باید توجه کرد که براساس اندک شباهت لفظی بین چند اسم خاص، بدون ارائهٔ شواهد متقن و استدلالات کافی نمی‌توان به وجود ارتباطی بین این نام‌ها قائل شد و بنابراین نظر رضوان به دلیل اتکای بیش از حد به فرضیات از نظر بنده قابل پذیرش نیست. رضوان در ادامهٔ بحث خود، برای اولین بار ضبط «اشیا» را سزاوار توجه دانسته است. او به عنوان احتمال دیگری، براساس شباهت ضبط «اشیا» به نام‌های زنانهٔ «ایشا» یا «ایشاع»، «اشیا» را صورتی مقلوب از «ایشا»/«ایشاع» یا صورتی مبدل از آنها به ضرورت شعر در نظر گرفته است. برای بنده عجیب است که چرا رضوان به جای طرح احتمال قلب حروف در ضبط «اشیا»، احتمال مصحف بودن این ضبط را در دیوان خاقانی مطرح نکرده است. اگرچه تحلیل او دربارهٔ ارتباط «اشیا» و «ایشا»/«ایشاع» به نظر بنده قابل پذیرش نیست (چون مبتنی بر اسناد و دلایل کافی نیست)، اما نظر او مبنی بر اینکه «اشیا» را نباید جمع «شیء» دانست کاملاً درست است. او در نهایت راه حل دیگری را در حد اشاره بر پایهٔ نظرات برخی لغویون عرب در باب اشتقاق نام «عیسی» (ع) طرح کرده است؛ او گفته طبق نظر برخی از لغویون، عیسی از ریشهٔ «عیس» عربی به معنی سرخی آمیخته با سپیدی است و بنابراین شاید خاقانی با نظر به این اشتقاق، به جای نام بردن از مریم مجدلیه او را «عیساء» خوانده یعنی زنی با اندام یا صورتی سپید و سرخ. این احتمال نیز از نظر بنده همانند فرضیه‌های دیگر غیر مستند بوده و قابل پذیرش نیست.

حیدریان و مرتضایی (۱۳۹۶) نیز با تأثر از رویکرد رضوان (۱۳۹۰) به بحث دربارهٔ این واژه پرداخته‌اند. آنان برای نخستین بار ضبط «ایشا» را به عنوان ضبط صحیح بیت معرفی کرده و «اشیا» و «عیشا» را صورت‌های مصحف و محرف «ایشا» در نظر گرفته‌اند که به نظر بنده، صحیح است (ر.ک بخش ۴). حیدریان و مرتضایی همانند رضوان، «ایشا» را اسمی خاص می‌دانند، اما برخلاف رضوان، معنای بیت را «برائت عیسی از رابطه با زنان بدکاره» ندانسته و

پاسخ مسئله را در شجره‌نامه‌های عیسی مذکور در انجیل متی و لوقا جستجو کرد. از آنجا که بحث آنان در مقاله بسیار آشفته و با اطناب آمده در اینجا فرضیه آنان را مختصراً بیان می‌کنم. آنان ابتدا روایاتی را در عهد جدید بررسی کرده‌اند که در آنها، نسب مسیح از طریق یوسف نجار به داود (ع) می‌رسد؛ گویی که یوسف نجار پدر مسیح (ع) شمرده شده (مثلاً کتاب مقدس، انجیل متی ۱: ۱۷-۱۸؛ ۲۲: ۴۲، انجیل لوقا ۳: ۲۳-۲۸). حیدریان و مرتضایی به انگیزه سازندگان این شجره‌نامه‌های مناقشه‌برانگیز جهت پاسخ به طعن یهودیان، و رساندن نسب عیسی به داود (ع) اشاره کرده‌اند، و بیان کرده‌اند که طبق این شجره‌نامه‌ها، مسیح از پشت یوسف نجار زاده شده درحالی‌که طبق عقیده مسیحیان، یوسف نجار پدرخوانده مسیح بوده است نه پدر او (بنابراین شجره‌نامه مذکور با عقاید مسیحیت تناقض دارد). آن‌ها سپس به شباهت میان ضبط پیشنهادی خود از کلمه مورد بحث ما به صورت «ایشا»، و نام «یَسَا» (انجیل متی ۱: ۶) یا «یسی» (انجیل لوقا ۳: ۳۳) اشاره کرده‌اند که در شجره‌نامه‌های مذکور، پدر داود (ع) معرفی شده است. در قدم بعد، حیدریان و مرتضایی به ارائه شواهدی از متون تفسیری و تاریخی فارسی و عربی پرداخته‌اند که در آن‌ها نام «ایشا» به عنوان پدر داود (ع) آمده و بنابراین نتیجه گرفته‌اند که «ایشا» در این متون، صورتی از همان «یسا»/«یسی» در انجیل متی و لوقاست و بنابراین «ایشا» در مصراع مورد بحث ما نیز همین پدر داود است. البته اینکه «یسی»/«یسا» در انجیل متی و لوقا همان «ایشا» در روایت اسلامی است تردیدی نیست و نیازی به تکلف در اثبات آن نیست.^۱ باری، طبق تفسیر حیدریان و مرتضایی ارتباط معنوی بسیار قوی بین دو مصراع بیت ایجاد شده و می‌توان بیت را چنین تفسیر کرد: سوگند به پاکی مریم از همبستری^۲ با یوسف نجار / و سوگند به برائت عیسا از داشتن هرگونه ارتباط نسبی از جانب یوسف نجار با ایشا پدر داود (ع). طبعاً رد رابطه بنوت بین مسیح و یوسف نجار متضمن رد رابطه نسبی بین عیسی و ایشا (از انساب یوسف نجار) نیز خواهد

۱. «یوسی»/«یسا» در ترجمه فارسی مورد استناد حیدریان و مرتضایی از کتاب مقدس، در واقع، بازنمایی صورت Ἰεσοῦای یونانی (قس. Jesse در انگلیسی) است که خود بازنمایی صورت‌های Ἰησοῦ و Ἰησοῦ (yīšāy, yīšāy, 'ī šāi) در عبری توراتی است (Köhler and Baumgartener 1994-2000). این نام در عبری به صورت ایشا درآمده است. (احتمالاً از طریق سریانی)

۲. چنانکه در لغت‌نامه دهخدا (۱۳۷۷)، ذیل مدخل «تزوید» به درستی آمده، تزوید در این مصراع به معنای ازدواج نیست، چه در عقیده مسیحیان یوسف پس از زاده شدن عیسی (ع) با مریم ازدواج کرد؛ بلکه اینجا منظور همبستری یوسف با مریم (ع) پیش از زادن عیسی (ع) است و مضمون مصراع اول بیت رد رابطه بنوت میان عیسی (ع) و یوسف است.

بود. باید توجه کرد که این رد نسب مخالفتی با عقاید مسیحیت ندارد زیرا عقیده اصلی مسیحیان این است که یوسف نجار پدرخوانده عیسی بوده و نه پدر او.

محمد رضا ترکی (۱۳۹۸، ۱۷۷-۱۸۰) نیز به بررسی و نقد آرای پیشین پرداخته و به درستی ساختگی بودن معانی فرهنگ‌ها برای «عیشا» را تصریح کرده است. با این حال، او ضبط «عیشا» را صحیح و «اشیا» را صورت ساده شده «عیشا» دانسته است (همان). ترکی به شیوه‌ای مشابه با حیدریان و مرتضایی، معنای مصراع دوم را «رد نسبت بنوت عیسی (ع) با فردی از جنس بشر» دانسته و احتمال داده «عیشا» نامی معادل «پانتیرا» باشد که در روایات یهودی پدر نامشروع عیسی (ع) دانسته شده (ر.ک همان ۱۸۰).

به نظر بنده، مستدل‌ترین و مستندترین نظر در میان شارحان و محققان در باب این بیت، نظر حیدریان و مرتضایی بوده است. نظر آنان از حیث ایجاد رابطه معنوی بین دو مصراع بسیار مناسب است. با این حال، طرح مسئله شجره‌نامه‌های مناقشه‌برانگیز انجیل متی و لوقا، آن هم به این شیوه کنایه‌آمیز در شعر خاقانی کمی عجیب به نظر می‌رسد. مشکل مهمی که تفسیر حیدریان و مرتضایی دارد، این است که تلمیحی که در آن هست بسیار پیچیده و مستلزم داشتن اطلاعات بسیار زیاد انجیلی است؛ اطلاعاتی که ظاهراً در منابع اسلامی تا زمان خاقانی هم مطرح نشده، یا اگر شده چندان مشهور نیست^۱. حیدریان و مرتضایی شواهدی از کاربرد نام «ایشا» در متون اسلامی به معنای نام پدر داود (ع) ارائه کرده‌اند، اما هیچ شواهدی از متون اسلامی که در آنها نام «ایشا» - پدر داود - به عنوان عضوی از شجره‌نامه عیسی ذکر شده باشد، ارائه نکرده‌اند. این در حالی است که تلمیحات و واژه‌های دیگر در قسمت قسمیه ترسائیه (از جمله لیلة الفطر، دنح، شلیخا، آستین بادمجرا و...) همه اشارات بسیار مشهوری است که در کتب اسلامی ذکر شده است (بسیاری از این‌ها را ابوریحان بیرونی در الآثار الباقیه به تفصیل آورده). به نظر بنده، اگر بتوان شواهدی برای اشاره مسلمانان به نسب‌نامه‌های مذکور در انجیل لوقا و متی در دوران پیش یا معاصر یا حتی اندکی پس از حیات خاقانی پیدا کرد، نظر حیدریان و مرتضایی را بدود تردید می‌توان پذیرفت. با این حال، نظر آنان همچنان از

۱. تا جستجوی بنده، این مسئله حتی در رده‌های مسلمانان بر مسیحیت نیز طرح نشده، حال آنکه می‌توانست دستاویز خوبی برای نقد عقاید مسیحیان باشد.

سایر آراء در باب این واژه دقیق‌تر و مستند و مستدل‌تر بوده است. بنده هم در پایان این یادداشت، به عنوان یک احتمال جدید، تفسیر پیشنهادی خود از مصراع مورد بحث را ارائه می‌کنم. همچنین درباره ضبط «ایشا» فارغ از تفسیر آن نیز چند نکته می‌آورم:

۴. به دوری عیسی از پیوند *ʾišā*!

چنانکه در بخش ۲ و ۳ بحث شد، اغلب نسخ و شروح کهن در این بیت ضبط «ایشا» را دارند و ضبط «عیشا» قطعاً صورتی محرف است. اما به نظر بنده، در صورت توجه به هر دو ضبط «ایشا» و «عیشا» می‌توانیم ضبط صحیح لغت را دریابیم تا بعد بتوانیم درباره معنای آن بحث کنیم. در قسمت ۳،۲ اشاره کردم که «عیشا» احتمالاً برگردانی غلط از صورت ملفوظ کلمه با تقلید افراطی از سبک خاقانی بوده است. در این معنا، کاتبان و فرهنگ‌نویسان کلمه را در مصراع، «ایشا» می‌خوانده‌اند (یعنی با همان ضبط اصیل از نظر حیدریان و مرتضایی، و بنده) اما چون مفهوم آن را به درستی درنیافته‌اند، گمان کرده‌اند که باید شبیه به عیسا نوشته شود بنابراین آن را به عیسا تحریف کرده‌اند. سپس معنایی را که شارحان پیش از خود برای «ایشا» ذکر کرده بودند، به ضبط مجعول «عیشا» نسبت داده و بدین ترتیب لغتی جدید ساخته‌اند. به عبارت دیگر، ممکن است ضبط «عیشا» خاطرۀ محو باقی مانده‌ای از صورت اصیل «ایشا» بوده باشد که در نسخه‌های کهن به صورت تصحیف شدۀ «ایشا» ظاهر شده. بدیهی است که تصحیف و بدخوانی ضبط غریب «ایشا» به صورت مفهوم و آشنای «ایشا» امری عجیب نیست.

اما در باب معنای واژه، به نظر بنده «ایشا» در مصراع مورد بحث ما، می‌تواند برگردان لغت عبری «*ʾiššā*» (יששא) باشد، به معنای زن، و خاصه جفت، که لغتی پرکاربرد در عهد عتیق است. در اینجا ابتدا توضیحی درباره اصل لغت و کاربرد آن در تورات می‌دهم و سپس دلایل خود را برای فرضیه ام برمی‌شمرم.

این لغت از ریشه سامی آغازینی «**ʾant-at-*» است. اُنثی و مؤنث (از ریشه اُنث) در عبری از همین ریشه است (ر.ک Kogan 2011, p. 233). این کلمه براساس شیوۀ آوانگاری طبریه‌ای^۱ به صورت «*ʾiššā*» (نمایش با خط عبری: *ʾiššā*) تلفظ می‌شود. (Köhler & Baumgartner 1994-2000)

۱. درباره سنت آوانگاری طبریه‌ای ر.ک «Khan 2020, 1/1-134»

در اینجا مؤیدات فرضیه خود را برمی‌شمرم:

۱. خاقانی در قسمت قسمیه ترسائیه دارد مخاطب مسیحی خود را (یعنی باقر قمار از خاندان حکومتی ابخاز) سوگند می‌دهد تا در نزد اخستان شاه برای او پای مردی کند. او قسمت قسمیه را دقیقاً با تقلید از اسلوب ترسائیه‌های ابونواس سروده و به عناصر مذهب مسیحیت سوگند خورده (توجه شود که ابو نواس هم در قصائد ترسائیه، به عناصر مهم دین مسیحیت سوگند می‌خورد که اغلب، کلماتی سریانی است)^۱. خاقانی به عناصری چون: «عید دنج»، «لیلة الفطر» و «شلیخا» (که کلمه‌ای سریانی الاصل است) قسم خورده و از این رو، عجیب نیست اگر در میان این سوگندها لغت توراتی «ایشا» را نیز آورده باشد.

۲. باتوجه به فضائلی که خاقانی در ابیات قبل برای خود از قبیل تسلط بر علوم مسیحیت برمی‌شمرد، دور از انتظار نیست که برای نمایاندن فضل خود به ممدوح مسیحی آشنا به عهدین، لغتی پرکاربرد در تورات را در قصیده بیاورد؛ مثلاً بنگرید به این ابیات: «کنم تفسیر سریانی ز انجیل / بخوانم از خط عبری معما»؛ «دیرستان کنم در هیکل روم / کنم آیین مطران را مطرا»؛ «کشیشان را کشش بینی و کوشش / به تعلیم چو من قسیس دانا»؛ (خاقانی ۱۳۹۱، ۲۵، ۲۶)^۲.

۱. درمطلبی زیر چاپ نشان داده‌ام که ترسائیه خاقانی ادامه همان سنت ترسائیه‌سرایی ابونواس است و به نظر بنده تأکید محققان بر نقش مسیحی بودن مادر خاقانی و محیط زندگی او در سرایش ترسائیه با اغراق بیش از حد همراه بوده است (در باره استعمال لغات سریانی در قصائد ترسائیه ابونواس ر.ک «Wagner 1965, 213»). احمد ترجمانی زاده (در علیزاده ۱۳۸۲، ۶۴)، نیز به تأثیرپذیری ترسائیه خاقانی از ارجوزه شیخ مدرک بن محمد شیبانی که متأخرتر از ابونواس است اشاره کرده است.

۲. نکته قابل توجه در اوایل قصیده این است که خاقانی ابتدا از امکان پنهانده شدن به «ابخاز» می‌گوید تا در آنجا به مسیحیت بگردد و به عبادات و ریاضات مخصوص مسیحیان مشغول شود و اگر او را در ابخاز حرمت نداشتند، به روم برود و در آنجا دانش عظیم خود در مسیحیت را به رخ رومیان بکشد و حتی به روحانیان آنان تعلیم بدهد. ادعاهای گزاف خاقانی در باب تسلطش بر علوم مسیحی عمدتاً متعلق به قسمتی است که وضعیت خود را در روم تصور می‌کند درحالی‌که حین بیان وضعیت خیالی خود در ابخاز، متواضعانه از عبادت کردن و ریاضت کشیدن صحبت می‌کند (تنها در یک جا می‌گوید: کنم تفسیر سریانی ز انجیل الخ). دلیل این امر این است که ممدوح قصیده از خاندان حکومتی ابخاز است و خاقانی نمی‌تواند در مقابل این ممدوح، خود را اعلم از علمای دینی گرجستان بخواند!

۳. در بخش ۳ به اهمیت توجه به بافت معنایی و ارتباط دو مصراع بیت اشاره شد؛ طبق برداشت هادی رضوان (۱۳۹۰) از بیت موضوع مصراع مورد بحث ما، باید رد تهمت‌ی از مسیح، خاصه در اموری مربوط به روابط نامشروع باشد. بنابراین او نتیجه گرفته که «ایشا»/«اشیا»/«عیشا» باید دلالت بر نام یک زن داشته باشد، اما برای آن شاهی نیافته است. حال در اینجا با لغتی توراتی مواجهیم که اساساً به معنی «زن» و خاصه «جفت» است و به بهترین شکل در بافت می‌گنجد.

۴. چنین لغت غریب و ناآشنایی است که می‌تواند چنین آشفتگی‌ای در نسخه‌ها و شرح‌های این بیت ایجاد کند، به حدی که در طی چند قرن گره این مصراع ناگشوده مانده بوده است.

۵. خاقانی در این قسمیه، پس از آنکه اسلام خود را تازه گردانده و مجدداً شهادت بر زبان رانده است (ر.ک ۲۷) هم باید موضوعاتی را طرح کند که دلخواه ممدوح مسیحی خود باشد و از آن طرف، مغایرت آشکاری نیز با تعالیم اسلامی نداشته باشد؛ چنانکه می‌بینیم تمام عناصر قسمت قسمیه قصیده چنین است. سوگند خوردن به برائت عیسی از رابطه داشتن با زنان هم، نه مغایر تعالیم اسلامی و نه تعالیم مسیحی است، و در عین حال، آمدن یک لغت توراتی در این میان، می‌تواند نظر ممدوح مسیحی را هم جلب کند.

۶. لغت عبری مورد نظر ما به صورت «išā» در زبان لوترائی یهودیان امروز باقی مانده است (ر.ک «2, 1977» Yarshater).^۱ ذکر لغات «لوترائی» دخی و زریف در شعر سوزنی نمونه‌ای است از آشنایی شاعران ایرانی مسلمان با این لغات، و بعید نیست که خاقانی هم «ایشا» را در زبان لوترائی رایج در عصر و منطقه خود شنیده باشد.

اکنون به بررسی چالش‌های فرضیه خود می‌پردازم. همانطور که بحث شد، مصوت هجای اول «אִשָּׁא» در عبری، کوتاه و به صورت «i» است (یعنی شبیه به کسره عربی)؛ از آن سو، شین در این کلمه مشدد است، در حالیکه طبق فرضیه بنده، «ایشا» غیرمشدد و با مصوت بلند در هجای اول تلفظ می‌شود. به عبارت دیگر، اگر «ایشا» قرار بود تلفظ این

۱. گفتنی است که جمع «iššā» در عبری «nāš-im» است (همیشه بانساء در عربی) که این صورت جمع عیناً با همین تلفظ در زبان لوترائی یهودیان ایران کاربرد دارد (Yarshater ibid).

کلمه را در سنت طبریه‌ای منعکس کند، باید به صورت «اِشا» نوشته می‌شد. این مسئله البته مشکل چندان مهمی نیست؛ اولاً این کلمه لغت عبری است که ظاهراً سابقه استعمال در فارسی پیش یا پس از خاقانی نداشته، بنابراین نوشتن «i» کوتاه در «٦٧٢٨» بااملای پر (plene spelling) در خط عربی-فارسی هیچ ایرادی ندارد زیرا لزومی ندارد که خاقانی با دیرش مصوت‌ها در عبری کاملاً آشنا بوده باشد. همچنین باید توجه کرد که در «٦٧٢٨»، مصوت کوتاه «i»، پیش از یک صامت بلند (مشدد) (long consonant) آمده و بنابراین عجیب نیست اگر در برگرداندن کلمه به خط عربی-فارسی، کشش صامتی حذف و با کشش مصوت پیشین جبران شده باشد. همچنین دیدیم که تخفیف صامت مشدد در این کلمه، در زبان لوترائی یهودیان امروز ایران شاهد دارد.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، با بحث دربارهٔ مصراعی در قصیدهٔ ترسائییهٔ خاقانی، در تأیید پیشنهاد اکبر حیدریان و سید جواد مرتضایی، صورت صحیح ضبط مصرع را «به دوری عیسی از پیوند ایشا» دانسته‌ام، و ضمن محتمل دانستن تفسیر ایشان از این کلمه (یعنی نام پدر داود به عنوان عضوی از شجره‌نامهٔ عیسی از جانب یوسف نجار)، به عنوان راه حل دیگری، پیشنهاد کرده‌ام که لغت «ایشا» در این ضبط، می‌تواند برگردانی از لغت عبری «٦٧٢٨» (iššā) باشد. در طی بحث نشان دادم که ضبط نسخه‌های کهن از کلمه مورد بحث اغلب «اشیا» بوده و «عیشا» که ضبط رایج آن در میان محققان است، ضبطی متأخر (حداقل متعلق به قرن نهم ق.) است. همچنین به نقد معانی‌ای پرداختم که شارحان و محققان برای این کلمه بیان کرده‌اند، از قبیل «رحم»، «عَلَقَة»، «تعلقات دنیوی»، «شبهه عیسی (ع) که به جای او بر دار کشیده شد» و «زنی بدکاره که مسیح (ع) را به داشتن ارتباط نامشروع با او متهم می‌کرده‌اند»... همچنین با بررسی شروح کهن و فرهنگ‌نامه‌های فارسی پدیدآمده در شبه‌قارهٔ هند، نشان دادم که ضبط «عیشا» صورتی محرف بوده که به صورت لغتی ساختگی از قرن نهم ق. در فرهنگ‌های شبه‌قاره ثبت شده و بدین ترتیب رواج پیدا کرده.

منابع

- بشری، جواد (۱۳۸۸). بررسی اشعار خاقانی شروانی در سفینه‌ها و جنگ‌های پیش از سده هشتم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، تهران: دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. همو. (۱۳۹۷). «پابریگ (۱۳)». آینه پژوهش، ۳/۲۹، ص ۱۰۳-۱۳۰.
- بیرونی، ابوریحان (۱۸۷۸ م.). الآثار الباقیه عن القرون الخالیه، تصحیح ادوارد زاخاو (Eduard Sachau)، لایپزیک: انجمن شرق‌شناسی آلمان (Der deutschen Morgenländischen Gesellschaft)
- پادشاه، محمد (۱۳۳۴). فرهنگ آندراج، تصحیح: محمد دبیرسیاقی تهران: کتاب‌فروشی خیام ترکی، محمدرضا (۱۳۹۸). سر سخنان نغز خاقانی، تهران: سمت.
- تویسرکانی، محمد مقیم (۱۳۶۲). فرهنگ جعفری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۳). برهان قاطع، به اهتمام محمد معین، تهران: کتابفروشی ابن سینا.
- حسینی معموری غنایی، عبدالوهاب (۱۳۷۳). نقد و تصحیح شرح عبدالوهاب حسینی بر دیوان خاقانی (پایان‌نامه)، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی مدنی تتوی، عبدالرشید (۱۸۷۲-۱۸۷۵). فرهنگ رشیدی، تصحیح ابوطاهر ذوالفقارعلی مرشدآبادی، کلکته: موسسه آسیایی بنگال.
- حفیظی، مینا (۱۳۸۸). «مجمع الفرس». دانشنامه زبان و ادب فارسی، به کوشش اسماعیل سعادت، ج ۵/ص ۷۱۶-۷۲۰.
- حیدریان، اکبر و مرتضایی، سید جواد. (۱۳۹۶). «به دوری عیسی از پیوند «عیشا»، «ایشا» یا «اشیاء» (تأملی در یک بیت از قصیده ترسائییه خاقانی)، ص ۲۲۶/۷۰، (۹۸-۸۱)
- خاقانی، افضل‌الدین بدیل بن علی (۶۶۴ ق.). دیوان خاقانی شروانی (نسخه خطی «Or.7942»)، لندن: موزه بریتانیا.
- همو. (۷۰۲ ق.). دیوان خاقانی شروانی (نسخه خطی شماره ۳۸۱۰)، استانبول: کتابخانه فاتح.
- همو. (بی تا الف). دیوان خاقانی شروانی (نسخه خطی شماره ۹۷۶)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی
- همو. (بی تا ب). دیوان خاقانی شروانی (نسخه خطی شماره ۱۵۸۵۱). قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
- همو. (بی تا ج). دیوان خاقانی شروانی (نسخه خطی شماره ۴۳۹ مجموعه لالا اسماعیل). استانبول: کتابخانه سلیمانیه.
- همو. (۱۲۹۳ ق.). کلیات خاقانی، لکنو: نولکشور.

همو. (۱۳۹۱). دیوان خاقانی شروانی، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، چاپ دهم، تهران: انتشارات زوار.

همو. (۱۴۰۲). دیوان خاقانی (نسخه برگردان دستنویس شماره ۴۳۹ مجموعه لالا اسماعیل کتابخانه سلیمانیه استانبول)، مقدمه و پژوهش: محمدرضا ترکی و سید محسن حسینی وردنجانی، تبریز: انتشارات سمبل.

دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران. دهلوی، محمد بن لاد (۱۳۰۲ق.). مؤید الفضلا، لکنو: نولکشور.

رامپوری، غیاث‌الدین محمد (۱۳۳۷). غیاث اللغات، تصحیح: محمد دبیرسیاقی، تهران: کانون معرفت.

رضوان، هادی (۱۳۹۰). «نگاهی دیگر به بیتی از خاقانی (ایهام، قلب، یا تصحیف)»، نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۲۷، ص ۱۷۱-۱۸۳. سجادی، ضیاء‌الدین (۱۳۷۰). «مفتاح‌الکنوز در شرح اشعار خاقانی». نامواره محمود افشار یزدی، ج ۶، تهران: بنیاد موقوفات افشار.

سروری کاشانی (۱۳۳۸). فرهنگ مجمع الفرس، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی.

شادی‌آبادی، محمد بن داود (بی‌تا). شرح مشکلات دیوان خاقانی (نسخه خطی شماره ۱۱۱۳)، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

صادقی، علی اشرف (زیر چاپ). "در باره لغت برمر". ویژه‌نامه آواشناسی و واج‌شناسی زبان‌های ایرانی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، ۱/۱، ص ۵-۱۲.

علیزاده، جمشید (۱۳۸۲). ساغری در میان سنگستان، تهران: نشر مرکز.

قوام فاروقی، ابراهیم (۱۳۸۵). شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی، تصحیح حکیمه دبیران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

کتاب مقدس (۱۹۳۰)، لندن: بریتیش و فورن بیبل سوسائیتی (انجمن بریتانیایی و خارجی کتاب مقدس (British and Foreign Bible Society))

کزازی، میرجلال‌الدین. سوزن عیسی، تبریز: انتشارات آیدین.

لاهیجانی، شمس‌الدین محمد بن احمد (بی‌تا). «شرح قصیده مسیحیه خاقانی»، تصحیح ضیاء‌الدین سجادی، فرهنگ ایران زمین، ج ۸، ص ۲۴۴-۳۶۰.

محمدی فشارکی، محسن. (۱۳۸۶). «قصیده ترسائیه و نخستین شرح آن». پژوهشنامه زبان و ادب فارسی (گهر گویا)، ۴، ۲۱۷-۲۵۶.

مهدوی فر، سعید (۱۳۹۷). فرهنگ‌نامه تحلیلی پشته‌خانه فرهنگی دیوان خاقانی (پایان‌نامه دکترا)، ایلام: دانشگاه ایلام.

Al-Jallad, A. and Al-Manaser, A. (2021). "The Pre-Islamic Divine Name 'sy and the Background of the Quranic Jesus", *JQSA*, p. 107-136.

Khan, G. (2020) *The Tiberian Pronunciation Tradition of Biblical Hebrew*, Cambridge: Open Access Publishers.

Kogan, L. (2011). "Proto-Semitic Lexicon", in Weninger et al (eds.), *The Semitic Languages*, Berlin: De Gruyter.

Köhler, L. & Baumgartner, W. (1994-2000). *The Hebrew and Aramaic Lexicon of the Old Testament*, Leiden: Brill.

Minorsky, V. (1945). "Khāqānī and Andronicus Comnenus", *BSOAS*, 11/3, p. 550-578.

Richardson, J. (1806). *Dictionary, Persian, Arabic, English*, London.

Wagner, E. (1965). *Abū Nuwās: eine Studie zur arabischen Literatur der frühen 'Abbāsiden Zeit*, Wiesbaden: Franz Steiner Verlag GmbH.

Yarshater, E. (1977). "The Hybrid Language of the Jewish Communities of Persia", *JAOS*, 97/1, p. 1-7.